

میرزا محمد، پدر کردستان

www.ketab.ir

سرنشانیسه : اکبری، علی، ۱۳۵۸-
عنوان و نام پدیدآور: میرزا محمد، پدر کردستان/
به کوشش علی اکبری.
مشخصات نشر: تهران: نشر یازدها (س)، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۹۶ ص:؛ مصور (رنگی).
شابک: 978-600-6274-17-1
وضعیت فهرست نویسی: فیا
پادداشت: چاپ فلی: صام، ۱۳۸۸.
موضوع: برخوردی، محمد، ۱۳۳۲ - ۱۳۶۲. سرگذشتنامه
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷. خاطرات
موضوع: شهدای -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات
رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ الف۷۲۶/ب۲۶/DSR1۶۲۶
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۳۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۷۰۶۸۶



نام کتاب: میرزا محمد پدر کردستان
به کوشش: علی اکبری
ویراستار و صفحه‌آرا: مریم قربانی‌نیا
عکس: آرشیو نشر یازدها سلام الله علیها
ناظر چاپ: محمد عامری
ناشر: یازدها سلام الله علیها
شمارگان: ۵۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: دوم بهار ۱۳۹۰ (اول ناشر)
لینوگرافی: موج
چاپ و صحافی: کارا
قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

فهرست

۷.....	سال شمار زندگی محمد بروجردی.....
۸.....	مرگ پدر و مهاجرت به تهران.....
۱۰.....	هزینه‌ی عمل جراحی.....
۱۲.....	مردکردستان.....
۱۴.....	رضای خدا.....
۱۶.....	پدر کردستان.....
۱۸.....	لباس سیاه.....
۲۰.....	اسوه‌ی ایمان.....
۲۲.....	حرف و عمل.....
۲۴.....	سعه‌ی صدر.....
۲۶.....	هدایت فریب‌خورده‌ها.....
۲۸.....	رمز بیدار شدن.....
۳۰.....	جریان کردستان.....
۳۲.....	در نقش ناجی.....
۳۴.....	امتحان.....
۳۶.....	همچو پیامبران.....
۳۸.....	احساس مسئولیت.....
۴۰.....	نگهبان بالای سنگر.....
۴۴.....	معلم اخلاق.....
۴۶.....	انجام وظیفه.....
۴۸.....	فرمانروای دل‌ها.....
۵۰.....	مصاحبه.....
۵۲.....	احساس خجالت.....

فرمانده بروجردی	۵۴
اسارت	۵۶
ناراحتی از غیبت	۵۸
محمد دره‌گرگی	۶۰
مرخصی	۶۲
مظلومیت	۶۴
دیدار فرزند	۶۶
توسل به امام زمان (عج)	۶۸
جاسوس آلمانی	۷۲
شهادت ناصر کاظمی	۷۶
تجلی علی (ع)	۷۸
خاطره‌ای از شهید آشناسان	۸۲
ملجأ آدامش و امید	۸۴
خواب شهادت	۸۶
انتخابی سالار شهیدان	۸۸
نحوه‌ی شهادت	۹۰
رسالت زینبی	۹۲
حکم رضوی	۹۴

سال شمار زندگی محمد بروجردي

- ۱۳۳۳، ولادت در روستای دره گرگ از توابع بروجردي.
- ۱۳۴۰، سکونت در تهران.
- ۱۳۴۸، کار در کارگاه خیاطی.
- ۱۳۵۲، ازدواج و تشکیل خانواده.
- ۱۳۵۲، اعزام به خدمت سربازی.
- ۱۳۵۴، آغاز مبارزات سیاسی علیه رژیم پهلوی.
- ۱۳۵۶، تشکیل گروه توحیدی صف و انجام عملیات نظامی علیه رژیم پهلوی.
- ۱۳۵۶، تولد اولین فرزند به نام حسین.
- ۱۳۵۶، ملاقات با امام در نجف اشرف.
- ۱۳۵۷، قبول مسئولیت حفاظت از جان امام در ۱۲ بهمن.
- ۱۳۵۷، قبول مسئولیت زندان اوین.
- ۱۳۵۷، مشارکت در تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۱۳۵۷، مسئولیت یادگان ولی عصر (عج) (عشرت آباد).
- ۱۳۵۸، اعزام به کردستان و قبول مسئولیت سپاه در غرب کشور.
- ۱۳۵۹، تشکیل سازمان پیش مرگبان مسلمان کرد.
- ۱۳۶۱، تشکیل قرارگاه حمزه سیدالشهدا.
- ۱۳۶۲، شهادت.

مرگ پدر و مهاجرت به تهران

محمد پنج ساله بود که پدرش علیرضا از دنیا رفت. عبدالمحمد، برادر بزرگ محمد از مرگ پدر چنین یاد می‌کند: «وقتی پدر مریض شد، حالش به قدری خراب بود که نفسش بالا نمی‌آورد. کدخدا که با خبر شد، او آمد و به جای اینکه کمک کنه تا ببرمش بروجرده، یا حکیمی پیدا کنه و بیاوه، فقط گفت که باید ببرنش بروجرده و من رو تک و تنها در حالی که پدر رو روی چند تکه چوب و نمده با طناب دنبال خودم می‌کشیدم، راهی کرد.

من به بچه دهاتی بی تجربه بودم و تا اون موقع پام به شهر نرسیده بود. پدر هم هر لحظه حالش بدتر می‌شد و از شدت بیماری سیاه شده بود. ماشاءالله هیکل درشت و سنگینی هم داشت و من زورم نمی‌رسید که دنبال خودم بکشم.

با بدبختی رسیدیم کنار جاده، اما هیچ ماشینی ما رو سوار نمی‌کرد. با دیدن رنگ و روی پدرم، همه از بردن و سوار کردن ما می‌ترسیدن. من هم که دیگه طاقتم طاق شده بود، زدم زیر گریه و شروع کردم به سر و صورت خود کوبیدن.

بالاخره یه کامیون نگه داشت و راننده با دیدن حال زار من و اوضاع پدرم، سوارمون کرد و برد بروجرده. اما اونجا هم وارد نبودم و نمی‌دونستم که حاجی رو کجا ببرم. بعد از کلی گشتن، نتیجه‌ای نایدم نشد و پدر رو دوباره روی دوشم گذاشتم و برگردوندم به دره گرگ و دست آخر هم توی ده جون داد و از دنیا رفت. اصلا هم نفهمیدیم که بالاخره مریضی‌اش چی بود، سیاه سرفه، سرطان یا...

با مرگ پدر، مادر موند و شش بچه‌ی یتیم. ما مدتی توی ده موندیم، اما یه زن بیوه، با این همه یتیم و بدون پشتوانه، نمی‌تونست کاری انجام بده. ناچار به تهران مهاجرت کردیم و بالاخره بعد از کلی مصیبت یه خونه توی خیابون مولوی پیدا کردیم و اونجا ساکن شدیم.»